

هوش هیجانی و تاثیر آن بر موفقیت معلمان در فرایند یاددهی و یادگیری و طراحی برنامه درسی

فاطمه فتاحی^۱

^۱ کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود

چکیده

هوش هیجانی یک ویژگی منحصر به فرد است که نقش مهم و غیرقابل انکاری در فعالیت های فردی و اجتماعی فرد دارد. هوش هیجانی افراد را برای خودکنترلی و خودتنظیمی رفتارهایش کمک می کند و باعث درک درست و واقعی از عواطف و احساسات خود و دیگران می شویم هوش هیجانی به افراد کمک می کند تا در برخورد و برقراری ارتباط با دیگران سنجیده و منطقی عمل کنند و برای تحقق این مهم عواطف و احساسات خود را مدیریت کند و کنترل نماید برخورداری از هوش هیجانی برای معلمان یک ضرورت است. این اهمیت از آن جهت است که معلمان در محیط مدرسه و کلاس درس با انواع رفتارهای دانش آموزان مواجه هستند که در این بین ممکن است برخی رفتارها بر خلاف انتظارات مدرسه، معلمان و مربیان باشد به همین دلیل نیز لازم است که معلمان و مدیران بتوانند عواطف و احساسات خود را در برخورد با دانش آموزان مدیریت کنند. یاددهی و یادگیری فرآیندی است که از طریق آن مطالب و مفاهیم درسی به دانش آموزان منتقل می شود. در این فرآیند برخورداری معلمان از نعمت هوش هیجانی به آنان کمک می کند تا شناخت درست و دقیقی نسبت به دانش آموزان خود پیدا کنند و برای نحوه و شیوه برخورد با آنان و مدیریت کلاس روش های منطقی اتخاذ کنند. معلمی که از هوش هیجان برخوردار است شوق و انگیزه بیشتری برای برقراری تعامل و ارتباط با دانش آموزان خود پیدا می کند و نگرانی و استرس آنان را کاهش می دهد و همین باعث می شود تا مدیریت و کنترل بهتری بر احساسات و عواطف خود داشته باشد. در این مقاله بر آنیم تا به روش کتابخانه ای با معنا و مفهوم هوش هیجانی آشنا شویم و پس از آن نقش آن را در موفقیت معلمان در فرآیند یاددهی و یادگیری مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

واژه های کلیدی: هوش هیجانی، موفقیت، یادگیری، طراحی برنامه درسی

۱. مقدمه

هوش هیجانی به نوعی هوش تبیین شده است که شامل درک دقیق عواطف خود شخص و هم تعبیر دقیق حالات عاطفی دیگران است. هوش هیجانی، فرد را از نظر عاطفی ارزیابی می کند؛ به این معنی که فرد به چه میزانی از هیجانات و احساسات خود آگاهی دارد و چگونه آنها را کنترل و اداره می کند. تحقیقات اخیر سعی بر آن دارند که اهمیت هوش هیجانی و تاثیر آن بر اثر بخشی سازمان را بررسی کنند. امروزه توجه به هیجان ها و عواطف و کاربرد مناسب آنها در روابط انسانی در سازمان ها مورد توجه قرار گرفته است. هوش هیجانی یکی از مولفه هایی است که می تواند در روابط مدیران با اعضای سازمان نقش مهمی ایفا کند (جوانشیر، ۱۳۸۳، ۸۱). هوش هیجانی در راستای سلامت فردی و در کلیه مناسبات انسانی موثر و سودمند است بویژه برای مشاغلی که مستلزم روابط و تاثیر گذاری بیشتر است. حرفه معلمی از مشاغلی است که توانایی هوش هیجانی بیشتری را می طلبد. تاثیر گذاری در کلاس درس مستلزم هماهنگی حرکات معلم و دانش آموزان و احساس صمیمت و اشتیاق در کلاس درس می باشد. پژوهش های انجام گرفته در کلاس های درس نشان می دهند که هماهنگی حرکتی نزدیک تر میان معلم و دانش آموزان، نشانگر این است که آنان در تعامل بین خود دوستی، شادی، اشتیاق، علاقه مندی و راحتی بیشتری را احساس می کنند. درکل، وجود همزمانی زیاد در یک کنش متقابل، به این معناست که افراد درگیر یکدیگر را دوست دارند (فلاحی، رستمی، ۱۳۹۱).

بقای و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود به بررسی هوش هیجانی (EQ) و کیفیت تدریس مدرسان پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد؛ هوش هیجانی اساتید دانشگاه ها هر چقدر هم کم یا زیاد باشد، باز هم مدرسان می توانند با تمرین آن را بهبود بخشند و اساتیدی که هوش هیجانی کمتری دارند عملاً می توانند خودشان را به پای دیگر همکارانشان برسانند. قربانی قهفرخی و اسلامی (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی به مطالعه رابطه بین هوش هیجانی و خودکارآمدی معلمان تربیت بدنی شهر بندر عباس پرداختند. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی (خودآگاهی، مهارت های اجتماعی، درک عواطف خود) با خودکارآمدی در معلمان تربیت بدنی شهر بندرعباس رابطه معناداری وجود داشت. همچنین مشخص شد، ۲۷/۳ درصد از تغییرات واریانس متغیر خودکارآمدی توسط، ابعاد هوش هیجانی (خوش بینی، خودآگاهی، درک عواطف خود و مهارت های اجتماعی) تبیین می شود. بنابراین هوش هیجانی و خودکارآمدی بالای معلمان برای بهره برداری از فرصت های اندک و موجود و استفاده از روش های خلاقانه می تواند در جهت پیشبرد اهداف تربیت بدنی در آموزش و پرورش بسیار مهم و موثر باشد. در تحقیقی قنبرلو و همکاران (۱۳۹۴) که رابطه بین خوش بینی تحصیلی و هوش هیجانی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را مورد مطالعه قرار دادند این نتیجه به دست آمد که خوش بینی تحصیلی و هوش هیجانی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان همبستگی معناداری دارند، در حالی که خوش بینی تحصیلی معلمان پیش بینی کننده قوی تری برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. که در نمونه کلی معلمان اعتماد به دانش آموزان و والدین، بیشترین نقش را در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ایفا می کنند. و همچنین از مؤلفه های هوش هیجانی تنها تنظیم هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه داشت. در پژوهش سعیدی راد و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان: رابطه هوش هیجانی و شناختی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان این نتیجه حاصل شد که بین هوش هیجانی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد اما بین هوش شناختی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. فلاحی و رستمی (۱۳۹۱) نقش هوش هیجانی در اثربخشی تدریس معلمان مدارس راهنمایی را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش بیانگر آن بودند که بین دو متغیر یاد شده رابطه ای مثبت وجود دارد و حتی با کنترل متغیرهای سن، جنس و تحصیلات معلمان، فاکتور هوش هیجانی قادر است با قدرت بالایی اثربخشی تدریس معلمان را پیش بینی نماید ($Beta=0.73$) و هم چنین، رابطه مجزای هوش هیجانی با زیرمقیاس های تدریس اثربخش نشان داد که هوش هیجانی با عامل حمایت عاطفی ($r=0.61, P<0.000$) و حمایت آموزشی ($r=0.42, P<0.05$) به ترتیب بیش ترین همبستگی و با زیرمقیاس سازماندهی کلاسی کم ترین رابطه را نشان داده است، لذا فرضیه های پژوهش مورد پذیرش قرار گرفت. از آنجایی که

خوش بختانه هوش هیجانی قابل آموزش می باشد، پیشنهاد می شود که در برنامه های درسی تربیت معلم توجه به پرورش هوش هیجانی معلمان بیش تر مورد توجه قرار گیرد. حسینیان و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود به پیش بینی کیفیت زندگی معلمان زن براساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی پرداختند. تحلیل همبستگی داده ها نشان داد که اکثریت مولفه های هوش هیجانی رابطه مثبت معناداری با زیر مقیاس های کیفیت زندگی دارند. از طرف دیگر روابط مثبت معنی داری میان بعضی مولفه های هوش معنوی و زیر مقیاس های کیفیت زندگی مشاهده شد. همچنین تحلیل داده ها با استفاده از روش رگرسیون چندگانه نشان داد که بعضی مولفه های هوش هیجانی و هوش معنوی به صورت معنی داری کیفیت زندگی را پیش بینی می کنند

با توجه به آنچه گفته شد و با توجه به نتایج برخی پژوهش های صورت گرفته این واقعیت آشکار می شود که برخورداری از هوش هیجانی می تواند بر بسیاری از رفتارها و فعالیت های فردی و سازمانی افراد تاثیر بگذارد و زمینه را برای بهبود عملکرد فردی و سازمانی آنان فراهم کند. هوش هیجانی به فرد کمک می کند تا عواطف و احساسات خود را به شکل منطقی کنترل و از آنان به درستی برای پیشبرد امور و فعالیت های خود استفاده کند. هوش هیجانی نه تنها باعث می شود تا یک فرد شناخت درست و دقیقی از عواطف و احساسات خود پیدا کند بلکه سبب می شود بلکه او را در چالش ها و گرفتاری های زندگی شخصی و اجتماعی نیز یاری می کند. هوش هیجانی نگرانی و استرس ها را کاهش می دهد و به فرد کمک می کند تا با درک هر چه بهتر موقعیت و شرایط، رفتاری متناسب با آن داشته باشد. هوش هیجانی علاوه بر اینکه در فرد انگیزه ایجاد می کند که کارهایش را به نحو مطلوب انجام دهد او را یاری می کند تا بر دیگران تاثیر مثبت بگذارد و نوع نگاه و نگرش آنان را نسبت به خود مثبت گرداند. بدون تردید آن دسته از کارکنانی که از هوش هیجانی بالایی برخوردار هستند از توان بالایی برای رفع مشکلات حوزه کاری خود برخوردارند که معلمان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. معلم فردی است که در فرآیند یاددهی و یادگیری وظیفه و نقش مهم و اساسی را عهده دار است. او برای ایفاء این رسالت خطیر باید از صبر و حوصله وافر برخوردار باشد و با بهره گیری از تمام ویژگی های رفتاری و شخصیتی خود برای تاثیرگذاری بر دانش آموزان استفاده کند. یکی از این راهکارها بهره گیری و استفاده از هوش هیجانی است که خود زمینه ساز و فراهم کننده بستری مناسب برای درک واقعی محیط آموزش به ویژه آشنایی هر چه بیشتر با رفتارها و ویژگی های شخصیتی دانش آموزان است.

۲. هوش هیجانی و مفهوم آن

به اعتقاد برخی از صاحب نظران هوش هیجانی در زندگی عادی اهمیت زیادی دارد. به نظر می رسد این فرض که برخی نمی توانند با هیجان های خود به خوبی کنار بیایند، روابط بین فردی مطلوبی ندارند، از سلامت روحی کمتری بهره مندند و موفقیت های شغلی کمتری را تجربه می کنند، فرض معقولی است. حوزه هوش عاطفی به عنوان یک موضوع مورد مطالعه، از بطن روان شناسی علمی ظهور پیدا کرد، از این رو مربیان، روان پزشکان، متخصصان منابع انسانی، و سایرین به این موضوع علاقمند شدند و بدین ترتیب این حوزه توسعه یافت. از زمانی که مجله های معتبر علمی مقاله هایی در این زمینه به چاپ رساندند تا به امروز مجله ها و مقاله های پژوهشی، فعالیت های مربوط به این حوزه را گزارش می کنند (سیاروچی، ۱۳۸۴). به عبارتی، هوش هیجانی در برقراری ارتباطات گروهی و فردی، جلب توجه و ایجاد انگیزه کار در خود و دیگران اهمیت دارد. در محیط های سازمانی، هوش هیجانی به شناخت و کنترل عواطف و هیجان های خود و دیگران تعبیر می شود. همچنین صاحب نظران بر این باورند که هوش هیجانی نوعی پردازش اطلاعات عاطفی است که شامل ارزیابی گام به گام عواطف خود و دیگران و بیان عواطف به موقع است. براساس دیدگاه گلن، هوش هیجانی از پنج مؤلفه تشکیل شده است: خودآگاهی، خودکنترلی و انگیزش که تعیین می کنند افراد چقدر خودشان را می شناسند و می توانند خود را مدیریت کنند و مؤلفه های همدلی و مهارت های اجتماعی که تعیین می کنند افراد چقدر می توانند روابط با دیگران را مدیریت کنند. مدیریت هوش هیجانی در سازمان می تواند به مدیریت بهتر زندگی سازمانی منجر شود و همواره به ویژه در سال های اخیر، از سوی

پژوهشگران مورد توجه و مطالعه بوده است. در این راستا، هوش هیجانی را نقطه تلاقی توانایی ها و مهارت های پیشرفته در شناخت دقیق خود و قوت ها و ضعف های شخصی، ایجاد تداوم روابط سالم و اثر بخش، کارکردن مفید و ثمربخش با دیگران و برخورد اثر بخش و سالم با خواسته ها و فشارهای زندگی روزمره می دانند (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰).

هوش هیجانی ضرورت زندگی در جهان امروز است؛ این بدان معناست که از طریق هوش هیجانی فرد درک درست و بهتری از احساسات خود و دیگران پیدا می کند و همین شناخت و آگاهی سبب می شود تا نسبت به شناخت نقاط و ضعف خود در مواجهه و برخورد با دیگران تصمیمات منطقی و عقلایی اتخاذ نماییم. افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردار باشند بیش از سایرین می توانند با دیگران ارتباط برقرار کنند و ارتباطی توأم با احترام متقابل را رقم بزنند. بدون تردید توان مدیریت عواطف و هیجانات برای انجام امور شخصی و اجتماعی اصلی مهم برای موفقیت است که همین عامل می تواند یک وجه تمایز بین کسانی باشد که از هوش هیجانی خود برای مقابله و برخورد با چالش های زندگی شخصی و سازمانی استفاده می کنند با کسانی است که در بهره گیری از این ویژگی شخصیتی استفاده درست و چندانی نمی کنند. هوش هیجانی از همان دوران کودکی در وجود فرد شکل می گیرد و در همه دوره های سنی با او همراه و همگام می شود. بنابراین اگر خانواده به عنوان اولین نهاد تربیتی نتواند نقش خود را به درستی ایفاء کند به قابلیت ها و استعداد های کودک توجه نکنند و یا آنها را درست پرورش ندهند در کوتاه مدت انگیزه های درونی فرد برای فراگیری مهارت های فردی و اجتماعی کاهش می یابد و کودک نمی تواند آنگونه که شایسته و بایسته است خود را به دیگران و گروه های اجتماعی سازگار سازد و این احتمال وجود دارد که دچار مشکلات رفتاری و شخصیتی از جمله خجالت و کمرویی شود. بنابراین پرورش هوش هیجانی از دوران کودکی یک ضرورت است که والدین باید به آن توجه خاص داشته باشند.

۳. فرآیند یاددهی و یادگیری

مدرسه به عنوان جایگاه اصلی و مرکز فرآیندهای یاددهی یادگیری و معلم و دانش آموز به عنوان محور اصلی آموزش از جایگاهی ویژه بر خوردارند؛ بطوری که دقت و تعمق در مورد هر یک از عناصر مذکور و پرداختن به زوایای کمتر شناخته شده و مبهم نظام آموزشی می تواند کمکی هرچند ناچیز، در جهت بهبود تعلیم و تربیت باشد، عمده ترین فعالیت های آموزشی در کلاس درس و توسط معلم صورت می پذیرد. شکل دادن به هر عمل و فرایندی در کلاس درس، مستلزم وجود روش های ویژه آن عمل است که استفاده از آن روش ها راه را برای رسیدن به اهداف مورد نظر هموار می سازد. عمل آموزشی و یاد دهی معلم در کلاس درس نیز که از اصلی ترین راه ها برای آموزش به دانش آموزان است، دارای شرایط و روش های مخصوص به خود می باشد که انتقال تجارب و دانش به فراگیران و ترتیب دادن فرصت های یادگیری برای آن ها می تواند بر پایه آن قرار گیرد. جوامع انسانی در شکل کنونی خود دارای سازمان های متنوع، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی هستند که هر کدام بطور مستقل و درارتباط با یکدیگر اقدام به برآوردن نیازهای این جوامع می نمایند. بی شک یکی از گسترده ترین و مهمترین این سازمان ها، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش نقش برجسته و حساس در تربیت نسل جدید به عهده دارد (مشایخی اسفیچار و همکاران، ۱۳۹۶). در نظام تعلیم و تربیت ما، اهمیت و نقش بسیاری از عناصر برنامه درسی به فراموشی سپرده شده و محتوای کتاب برابر با برنامه درسی تلقی شده است، این تلقی نابه جا از کتاب و برنامه درسی موجب انتظارات نابه جا از کتاب های درسی گردیده است. عمده ترین دلیل این تصور، محدودیت های موجود در استفاده از سایر موارد و رسانه های آموزشی، منابع اجتماعی و فضای مناسب مانند کارگاه و آموزشگاه است. این نگاه به ماکتاب و برنامه درسی موجب تحمیل حجمی از دانش و مفاهیم به صورت کتاب درسی شده است، در صورتی که این مفاهیم می توانست به وسیله سایر مواد و امکانات آموزشی و متناسب با نیاز ها و علاقه فراگیران ارئه شود (یزدانی، ۱۳۸۱).

مدارس به عنوان مرکز رسمی آموزش وظیفه دارند با برنامه ریزی های درست و علمی به گونه ای عمل کنند که مطالب و مفاهیم درسی با بهره گیری از مناسب ترین ابزارها و اتخاذ بهترین روش ها به دانش آموزان منتقل شود. از آنجا که الگوهای

تدریس در جهان امروز و در نظام های آموزشی در سراسر جهان دچار تغییر و تحولات عمده شده اند بنابراین در نظام آموزشی کشور ما هم باید ترتیبی اتخاذ گردد تا همه مقدمات تدریس موفق فراهم شود و همه عوامل دخیل در فرایند یاددهی و یادگیری بتوانند نقش خود را به درستی ایفاء کنند. شکل دادن و تعریف و طراحی فرایند یاددهی نکته ای بس مهم و اساسی که مدارس باید آن را مورد توجه قرار دهند زیرا فرآیند یاددهی دربرگیرنده مراحل و اقداماتی است که سبب می شود مطالب درسی به شیوه ای مطلوب در مسیر یادگیری دانش آموز قرار گیرد. در واقع فرآیند یاددهی مستلزم فراهم ساختن بستری است تا از طریق آن مدارس و معلمان آگاهانه و بر اساس برنامه ای مشخص و مدون ذهن دانش آموزان را برای یادگیری آماده سازند و به آنان کمک کنند تا با کمترین دغدغه و نگرانی مطالب درسی را فراگیرند. یکی از مهمترین وظایف یک معلم این است که بتواند فرآیند یاددهی و یادگیری را به شکل مطلوب مدیریت کند. مدیریت این فرایند مستلزم آگاهی معلم از اصول و قواعد یاددهی و یادگیری است. معلمی که می داند در کلاس درس چگونه باید رفتار کند تا دانش آموزانش به یادگیری علاقمند شود، کاری به مراتب ساده تر و آسان تر از آن دسته معلمان دارد که اشراف و تسلط کافی بر اصول و قواعد یاددهی و یادگیری ندارند. فرآیند یاددهی و یادگیری فرآیندی است که از طریق آن تدریس و انتقال مفاهیم به دانش آموزان تسریع و تسهیل می شود. از این رو آگاهی معلم از جزئیات این فرایند نقش مهمی در تدریس موفقیت آمیز او خواهد داشت. فرآیند یاددهی و یادگیری ابزاری در دستان معلم است تا با استفاده و بهره گیری مفید از آن تدریسی پویا و اثربخش داشته باشد.

۴. موفقیت در تدریس

در دهه های اخیر تلاش های زیادی در کشور صورت گرفته تا روش های کلیشه ای و سنتی آموزشی جای خود را به روش های تازه و بدیع و مبتنی بر نیازهای فردی و اجتماعی دانش آموزان دهد. آنان را خلاق و تولید کننده علم و دانش پرورش داده و دریچه های نوینی را در زمینه علوم و تکنولوژی در کشور بگشاید. تغییرات نظام آموزشی و کتب درسی دانش آموزان نیز در همین راستا صورت گرفته است. اما علیرغم تمامی زحمات و هزینه های سنگینی که آموزش و پرورش متحمل شده است، هنوز شاهد تدریس علم به شیوه سنتی و معلم محوری هستیم. در قریب به اتفاق مدارس کشور، هیچ تغییری در زمینه تدریس و ارزشیابی و ... دیده نمی شود. به همین علت به کرات دبیران ظالمانه مورد شماتت قرار می گیرند که چرا نمی توانند خود را با روش های مدرن آموزش وفق دهند (شیردل، ۱۳۹۹). در جهان پرشتاب امروز فناوری اطلاعات و ارتباطات، تحولی عظیم در زمینه آموزش و یادگیری ایجاد کرده است به گونه ای که امروزه آموزش های جدید به صورت الکترونیکی در حال جایگزینی روش ها و شیوه های آموزش سنتی هستند. فناوری اطلاعات و ارتباطات بالقوه توانایی تقویت کیفیت و اثر بخشی در فرآیند یاددهی و یادگیری را دارد. از طرفی تغییرات به وجود آمده در حوزه های علم و دانش و فناوری همانند اقتصاد و اجتماع و تکنولوژی سبب شده است که برای پاسخگویی به نیازهای دنیای رقابتی مدرن نظام های آموزشی نوین از فناوری اطلاعات و ارتباطات در امر یاددهی و یادگیری استفاده کنند (۱۳۹۴). آموزش های معلم باید منجر به ورزش ذهنی دانش آموزان و تشنه کردن آن ها بشود. وظیفه دانش آموز در چنین محیطی جستن و یافتن و نتیجه گرفتن است. دانش آموز باید پژوهشگر باشد و مدرسه و کلاس درس باید مکان امنی برای دانش آموزان پرسشگر و کنجکاو و ناآرام باشد. توانایی پرسشگری دانش آموزان باید تقویت شود و پرسش خوب نیمی از پاسخ است و پرداختن به آن یعنی پرداختن به چرایی و چگونگی پدیده ها یا همان پژوهش است که خلاقیت در آنجا شکوفا می شود. پرسشگری مبنای پژوهشگری و پژوهشگری مبنای شکوفایی ذهن و خلاقیت متعلمین است. بنابراین باید به پژوهش به عنوان یک راه حل نگاه کنیم و در ترویج آن بکوشیم لذا در چنین موقعیتی است که «مدارس پژوهنده» به عنوان مدارس «آینده» مطرح می شوند. یکی از اصول مهم برنامه درسی ملی «اعتبار نقش یادگیرنده» است که پژوهش در کانون آن واقع شده است و موجب تقویت روحیه «پرسشگری» و «کاوشگری» و «کارآفرینی» می شود. متدهای آموزشی باید با محوریت «دانش» و «مدیریت دانش» و سازمان مدرسه باید به سازمان

یادگیرنده تبدیل شوند. سازمان یادگیرنده باید در متن مدارس و محور تولید دانش آموزشی و تربیتی باشد و در آموزش و پرورش ترویج شود.^۱

برنامه های آموزش مهارت های هیجانی این گونه مدارس نه تنها به آگاهی دانش آموزان از حالت های هیجانی خود یاری می رسانند بلکه عزت نفس آنان را تقویت می کنند و باعث می شوند که در آزمون های شناختی استاندارد نیز نمره های بهتری کسب کنند. مدارس باید چگونگی اداره و کنترل هیجان را به کودکان بیاموزند. معلمان باید با تعامل محترمانه با کودکان و مراقبت از آنان، الگوی مناسبی برای تقویت این نوع رفتارها باشند (جلالی، ۱۳۸۱). امروزه یکی از مؤلفه های روان شناسی مثبت، «هوش هیجانی» اهرم مورد نیاز معلمان و اساتید در برنامه درسی تلقی می شود. معلمان و اساتیدی که ارزش راهبردی هوش هیجانی را درک کنند، می توانند از تفاوت ها و تنوع فرهنگی در جهت ارتقا فرآیند یاددهی یادگیری در برنامه درسی استفاده کنند. هوش هیجانی شیوه ای از اندیشیدن و عمل را به اساتید و معلمان آموزش می دهد که آنان بتوانند در هر بستر فرهنگی، به گونه ای اثربخش تر عمل کنند (بیگدلی، امرا، ۱۳۹۳). آموزش و پرورش را می توان به صورت فرایندی تعریف کرد که برای تغییر و تعدیل رفتار دانش آموزان با توجه به هدف های معینی طرح ریزی شده است، افراد جامعه باید بتوانند کارهای بسیاری را انجام دهند تا چرخ های جامعه بچرخد، نقش معلم در این فرایند عبارتست از فراهم ساختن شرایط و امکانات به گونه ای که تغییرات مطلوب در رفتار دانش آموزان ایجاد شود. این تغییرات که باتوجه به برنامه، وسایل، روش ها و هدف های آموزش و پرورش در رفتار دانش آموزان ایجاد می شود، یادگیری نام دارد. علت اصلی فراهم کردن آموزش و پرورش برای مردم تحقق هدف های تعلیم و تربیت است. این هدف ها احکامی است که نتایج تعلیم و تربیت را توصیف می کند، یعنی همان نتایجی که در عملکرد جامعه مؤثر است (حسینی نسب، ۱۳۷۵).

فرآیند یاددهی و یادگیری یکی از مهمترین فعالیت های یک نظام آموزشی است که از طریق آن مطالب و مفاهیم به یادگیرندگان انتقال می یابد. در این فرآیند معلم باید نسبت به روش ها و الگوهای تدریس آگاهی و تسلط کافی داشته باشد و برای موفقیت در این کار از همه توان خود به ویژه توانایی های فردی مانند خلاقیت، هوش هیجانی و هر ابزار دیگری که بتواند این فرآیند را تسریع و تسهیل کند استفاده نماید. آگاهی معلم از فرآیند یاددهی و یادگیری او را کمک می کند تا بر اساس یک طرح درس مشخص مفاهیم و مطالب درسی را به دانش آموزان خود منتقل کند و از الگوهای شناخته شده و کاربردی برای دستیابی به اهداف آموزشی استفاده نماید. اگر در فرایند یاددهی و یادگیری از سوی معلم طرح درس متناسب با خواسته ها و انتظارات دانش آموزان طراحی شود و در هر مرحله از طرح درس نیز توانایی و استعداد دانش آموز مد نظر قرار گیرد در اینصورت هوش هیجانی به عنوان یک ابزار کارآمد می تواند نقش مهم و غیر قابل انکاری در موفقیت برنامه درسی داشته باشد.

۵. هوش هیجانی و نقش آن در طراحی برنامه درسی

مروری بر ادبیات پژوهش در زمینه هوش هیجانی در سال های اخیر نشان دهنده آن است که هوش هیجانی در موفقیت های شغلی و زندگی فردی افراد بسیار مؤثر است. در حرفه معلمی داشتن هوش هیجانی دارای اهمیت مضاعفی است زیرا این افراد نیازمند تعامل اجتماعی بیشتری با افراد پیرامون خود هستند و این تعامل اجتماعی تنها با داشتن هوش هیجانی بالا به ظهور و بروز می رسد (حاجی حیدری و همکاران، ۱۳۹۵). هر ساله شمار زیادی از معلمان از دانشگاه ها و مراکز تربیت معلم فارغ التحصیل می شوند و در حرفه معلمی مشغول به کار می گردند. آنچه که بیشتر در آموزش و آماده سازی آنها پیش از خدمت در نظر گرفته شده است شامل موضوع های تخصصی، روش های تدریس و روان شناسی کودکان و نوجوانان بوده، اما آموزش در زمینه روش کنترل خود و هیجانات، مدیریت عواطف و روش تاثیرگذاری بر دیگران که به ویژه برای مشاغل مانند معلمی دارای اهمیت است یا اصلاً مورد توجه قرار نگرفته یا اینکه به مسئله کمتر پرداخته شده است. نکته دارای اهمیت این

^۱ - <https://nabu.ir/>

است اگر دانش آموختگان دانشگاهی ما به ویژه آنها که تمایل به حرفه معلمی دارند قادر به کنترل هیجانات تلخ و رنج آور خود نباشند، نتوانند همدلی داشته باشند، نتوانند روابط و مناسبات معنوی و انسانی بر پایه هوش هیجانی برقرار کنند، آنگاه دیگر فرق نمی کند که چقدر باهوش هستند و روش اثرگذاری آنها نیز مبهم خواهد بود (فلاحی، رستمی، ۱۳۹۱).

محیط مدرسه مکانی است که در آن دانش آموزان با ویژگی های شخصیتی متفاوت حضور دارند و نوع برخورد با هر کدام به شرایط و موقعیتی بستگی دارد که دانش آموز در آن قرار می گیرد. عدم علاقه به درس و عدم حضور در کلاس، بی نظمی و شیطنت و سایر رفتارهایی که ممکن است متناسب با شان و منزلت محیط مدرسه نباشد، قابل پیش بینی نیستند و به همین دلیل نیز شناخت دقیق دانش آموزان و به کار گیری شیوه های مدیریت و کنترل آنان با استفاده از انواع روش های تربیتی و استفاده از ابزارهایی مانند هوش هیجانی می تواند کار مدیریت و کنترل کلاس درس را برای معلم آسانتر نماید. کار تدریس، کار ساده و آسانی نیست و همه کسانی که تجربه یک بار حضور در کلاس درس و تدریس را تجربه کرده باشند خوب می دانند که تدریس کار سخت اما نیازمند بکارگیری همه فنون معلمی است. فنونی که بتواند علاوه بر تاثیرگذاری مثبت در فرآیند یادگیری دانش آموزان آنان را به یادگیری بهتر و بیشتر تشویق و ترغیب کند و این مهم زمانی محقق می شود که معلم بتواند بر عواطف و احساسات خود کنترل و مدیریت داشته باشد و علاوه بر شناخت هر یک از دانش آموزان، برخورد متناسب با شان و شخصیت آنان داشته باشد. این یک واقعیت است که در مدارس و محیط های کلاسی همیشه برنامه ها آنگونه که مد نظر مدیران و معلمان است پیش نمی رود و در بسیاری اوقات در فرآیند تدریس و آموزش چالش ها و مشکلاتی رخ می دهد که اگر مدیران و معلمان نتوانند با بهره گیری از هوش هیجانی نسبت به ایجاد جوی آرام اقدام کنند مشکلات آموزشی دوچندان می شود. هوش هیجانی به معلمان کمک می کند تا مسائل و مشکلات محیط کلاس خود را به درستی ببیند و درک کنند و برای برخورد با هر کدام راهکارهایی منطقی به کار گیرند. برخورداری معلمان از هوش هیجانی نه تنها به تدریس موفق آنان کمک می کند بلکه شرایطی را فراهم می سازد تا دانش آموزان نیز با معلمان خود ارتباط برقرار کرده و بهتر و بیشتر در جریان فرآیند یادگیری قرار گیرند. هوش هیجانی در کلاس درس یک قابلیت و توانمندی برای معلم است زیرا با استفاده از آن می تواند شرایط دانش آموزان خود را به بهترین شکل ممکن درک کند و متناسب و مطابق با روحیه و رفتار آن عمل نماید.

۶. بحث و نتیجه گیری

امروزه هوش هیجانی جایگاه ویژه ای در بحث های سازمانی دارد. درک و فهم درست و اصولی هوش هیجانی می تواند نقش مهمی در کاهش مسائل و مشکلات فرد در زندگی شخصی و اجتماعی وی داشته باشد. هوش هیجانی زمینه را برای سازگاری هر چه بیشتر فرد با دنیای پیرامون به ویژه در تعاملات و ارتباطات انسانی فراهم می سازد و سبب می شود تا افراد عواطف و احساسات خود را در جهت انجام درست کارها به بهترین شکل ممکن مدیریت و کنترل کنند. معلمان از آن جهت که با دانش آموزان سر و کار دارند و هر یک از آنان دارای ویژگی های رفتاری و شخصیتی متفاوت در محیط مدرسه و کلاس درس هستند نیازمند برخورداری از هوش هیجانی بالا برای تعامل و ارتباط با دانش آموزان خود و به تبع آن پیشبرد اهداف آموزشی در فرایند یاددهی و یادگیری هستند. فرایند یاددهی و یادگیری مستلزم تبعیت از اصول و قواعدی است که یکی از این اصول و قواعد ویژگی شخصیتی هوش هیجانی است که می تواند معلمان را در این فرآیند یاری کنند. هوش هیجانی شامل پنج مولفه خودآگاهی، خودکنترلی، انگیزش، همدلی و مهارت های اجتماعی است که هر یک از این مولفه ها نقش مهمی در ایجاد سازگاری فرد با دیگران دارد که معلمان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. نکته مهم و غیر قابل انکاری که وجود دارد این است که در جهان امروز هوش هیجانی نقش مهم و اساسی در فرآیند یاددهی و یادگیری دارد. معلمی که دارای هوش هیجانی بالا باشد می تواند کلاس درس را به محیطی جذاب برای یاددهی و یادگیری تبدیل کند و شرایطی را فراهم کند تا با شناخت هر چه بیشتر ویژگی های شخصیتی دانش آموزان، رفتارهای متناسب با شخصیت و روحیات آنان داشته باشد. معلمی که دارای هوش هیجانی بالایی از انگیزه بالایی نیز برای تدریس برخوردار می شود و به همین دلیل نیز چنین معلمی می تواند با شوق و علاقه بیشتری در کلاس درس حاضر شود و به تبع آن امکان تدریس موفق نیز برای وی هموار می شود. معلمی که از هوش

هیجانی بالا برخوردار باشد می تواند عواطف و احساسات خود را در محیط کلاس و فرآیند یاددهی و یادگیری مدیریت و کنترل کند و از این طریق ضمن احساس همدلی و همراهی با دانش آموزان خود؛ آنان را به یادگیری بهتر تشویق و ترغیب کند. از سوی دیگر هوش هیجانی می تواند در طراحی برنامه درسی به معلمان کمک کند تا در طراحی برنامه درسی نوع گفتار و رفتار و تمام ابزار و امکاناتی را که برای انتقال منطقی و اصولی مطالب و مفاهیم درسی به دانش آموزان مورد نیاز است را مدنظر قرار دهد. با توجه به اینکه معلم نقش مهمی در طرح درس دارد لذا در طراحی آن باید با بهره گیری از هوش هیجانی و خلاقیت خود به گونه ای عمل نماید که بتواند بهترین ارتباط و تعامل را با دانش آموزان داشته باشد و مطالب درسی را با استفاده از الگوهای نوین تدریس که مبتنی بر شاگرد محوری به شکل مطلوب به دانش آموزان انتقال دهند.

منابع و مراجع

۱. بیگدلی، ل. امرا، ۱. (۱۳۹۳)، "طراحی برنامه درسی مبتنی بر مولفه های هوش هیجانی با رویکرد اسلامی"، بندر گز: اولین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی معنویت و سلامت.
۲. بقائی، م، مدنی سربارانی، م، رهسپار، س. (۱۴۰۰)، "هوش هیجانی (EQ) و کیفیت تدریس مدرسان"، اولین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی و علوم انسانی.
۳. جوانشیر، ا. (۱۳۸۳)، "رابطه هوش هیجانی، سلامت روان و فرسودگی شغلی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
۴. حاجی حیدری، ع، دیگران. (۱۳۹۵)، "بررسی رابطه ی هوش هیجانی معلمان بر مدیریت کلاس و اثر بخشی تدریس"، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، گرجستان.
۵. حسینیان، س، قاسم زاده، س، نیکنام، م. (۱۳۹۰)، "پیش بینی کیفیت زندگی معلمان زن براساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی"، فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، دوره سوم، شماره ۶۰، ۹-۴۲.
۶. حسینی نسب، س. د علی اقدام، ا. (۱۳۷۵)، "فرهنگ واژه ها، تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت". تبریز: احرار.
۷. سعیدی راد، ح، و دیگران. (۱۳۹۱)، "رابطه هوش هیجانی و شناختی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان"، فصلنامه مشاوره و روان درمانی (فرهنگ مشاوره)، دوره ۳، شماره ۶۳، ۱۰-۵۱.
۸. سیاروچی، ژ و همکاران. (۱۳۸۴)، "هوش عاطفی در زندگی روزمره"، ترجمه اصغر نوریو حبیب الله نصیری، اصفهان: نشر نوشته.
۹. شیردل، ف. (۱۳۹۹)، "تاثیر روش تدریس بر یادگیری دانش آموزان"، هشتمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
۱۰. صالحیان، س، مهران، آ. (۱۳۹۴)، "فناوری اطلاعات و ارتباطات و نقش آن در فرآیند یاددهی و یادگیری و چالش های پیش روی آن در ایران"، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری.
۱۱. عابدی، ص؛ زارع، ح؛ سعیدیپور، ب، سلطانی، ا. (۱۳۹۰)، "رابطه هوش هیجانی مدیران با توانمندسازی نیروی انسانی دانشگاه پیام نور". مجله آموزش و ارزشیابی علوم تربیتی، ۴ (۱۵)، ۱۲۷-۱۰۷.
۱۲. فلاحی، و، رستمی، ک. (۱۳۹۱)، "نقش هوش هیجانی در اثربخشی تدریس معلمان مدارس معلمان راهنمایی"، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره سوم، شماره اول، ۱۵۱-۱۸۰.
۱۳. قربانی قهفرخی، ل، اسلامی، ص. (۱۳۹۸)، "رابطه بین هوش هیجانی و خودکارآمدی معلمان تربیت بدنی شهر بندر عباس"، فصلنامه رویش روان شناسی، شماره ۱، پیاپی ۳۴، ۵۷-۵۶۸.

۱۴. قنبرلو، س.، غلامعلی لواسانی، م.، اژه ای، ج. (۱۳۹۴) "رابطه خوش بینی تحصیلی و هوش هیجانی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان"، فصلنامه روانشناسی، سال نوزدهم، شماره ۳، ۲۱۸-۳.
۱۵. مشایخی اسفیچار، ح. و دیگران. (۱۳۹۶)، "فرآیند یادگیری و نقش آن در بهبود فرایند یاددهی یادگیری در مدارس"، هشتمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.